

# افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۹ می ۲۰۲۳

## "ISI" موفق تر از "KGB"!

پنجشنبه - ۲۸ ثور ۱۴۰۲ - کابل: با در نظر داشت این که هم حاکمیت خلق و پرچم و هم حاکمیت طالب، از طرف نهاد های استخباراتی مشخصی به قدرت گماشته اند و تمام تصامیم مهم بنا به اعتراف "ملک ستیز" یک تن از پرچمی های سابقه دار، در زمان حاکمیت باند های خلق و پرچم در مسکو گرفته می شد و به مانند آن، وابستگی غلیظ و برده وار طالب و نظام ملا سالار به ارتش پاکستان، اینها را هم وادار می سازد تا تصامیم اتخاذ شده در دفاتر "ISI" را بدون چون و چرا پذیرفته و عملی نمایند، دیده می شود که وقتی پای اجرای موفقانه خواستها از هر دو نهاد استخباراتی یعنی "ISI" و "KGB" به صورت مقایسه ئی در میان باشد، حد اقل در قبال گزینش افراد و اطاعت افراد از تصامیم مرجع، "ISI" به مراتب بهتر و موفق تر از "KGB" عمل نموده است. چنانچه:

۱ - با استناد به تاریخ خونبار چهارونیم دهه اخیر، زمانی که "KGB" تصمیم گرفت تا خود را از شر "حفیظ الله امین" نجات دهد، تاریخ نشان می دهد که "حفیظ الله امین" به خواست "KGB" تمکین ننموده، با کشتن "نورمحمد تره کی" نه تنها خودش در جای وی قرار گرفت بلکه نماینده باصلاحیت روسیه "سفر پوزانف" را نیز از کشور اخراج کرد. به همین سان دیدیم که روسها جهت برطرف نمودن "حفیظ الله امین" و آوردن "ببرک کارمل" ناگزیر شدند خود وارد میدان شده با هجوم بر افغانستان با لشکر ۱۲۰ هزار نفری، "امین" را از قدرت برکنار و "ببرک" را بر جایش بنشانند. هرچند انتقال قدرت و حاکمیت از "ببرک کارمل" به "داکتر نجیب" نیاز به تکرار تقابل خونبار ۶ جدی و آوردن ببرک را نداشت، مگر بدون مقاومت هم نمانده، به خاطر داریم که چگونه "ببرک کارمل" و هوادارانش با تخریب همه جانبه "داکتر نجیب" تلاش داشتند تا انتقام شان را از وی بگیرند.

خلاف آن دوران، هرگاه خواسته باشیم عزل و نصب افراد را در نظام ملاسالار در نظر بگیریم دیده می شود که در اینجا "ISI" به مراتب موفقانه تر از "KGB" عمل نموده، در طول ۲۲ ماه گذشته به ده ها تغییری که در کادر رهبری طالب و نظام ملاسالار، آنها از یک مرکز غیبی که اگر برای ما ماهیت آن کاملاً روش نباشد یقیناً برای سران طالب روش است، از یک جای به جای دیگری تبدیل و حتا عزل گردیده بدون آن که آب از آب تکان بخورد. این اطاعت و تمکین آنها از جانب کسانی که تا گلو غرق در سلاح هستند نشان می دهد که "ISI" موفقانه تر از "KGB" عمل نموده، در نتیجه نوکرانش هیچ گاهی تصامیم بادر شان را زیر سؤال نبرده و نخواهند برد.

۲ - بادر نظر داشت موفقیت هائی که "ISI" نسبت به "KGB" داشته است و تقریباً تمام عزل و نصب ها بدون کمترین مقاومتی پذیرفته شده است، این سوال مطرح می گردد که علت این تمکین در کجاست؟ آیا شیوه های کار "ISI" نسبت به "KGB" بهتر انتخاب شده است و یا اصولاً تفاوتی در میزان روابط برده ساز بین شوروی آنزمان با خلق و پرچم و دولت پاکستان با طالب وجود داشته و دارد که در آنجا نوکران خود را صاحب رأی می دانستند، مگر در اینجا، نوکر از همان آغاز می داند که نوکر است و تابع فرمان بادر، نه از خود شخصیتی دارد، نه رأی و نه اراده ای. هرچه بادر گفت و می گوید باید بدون ملاحظه و نق و فق آن را بپذیرد و اجرایی سازد؟  
هموطنان گرامی!

این که تا حال چنین بوده و طالب و نظام ملاسالار به تمام فرامین "ISI" گردن نهاده و آن را پذیرفته اند، نباید بدان معنا تعبیر گردد که طالب و نظام ملاسالار تا ابد همین روابط را ادامه خواهد داد. مثلاً هرگاه خبر قهر "ملا یعقوب" راست باشد و نامبرده واقعاً در قبال عزل "ملاحسن" از خود عکس العمل نشان داده نه برسر کارش حاضر شده و نه هم با کسی تماس گرفته و گویا "غیبش" زده است، دیده می شود که نخستین عکس العمل علیه تصمیم جدید "ISI" از جانب وی صورت گرفته است.

چه خبر قهر "ملا یعقوب" راست باشد چه دروغ، مسلم است که در آینده نزدیک نظام ملاسالار به دستور "ISI" به ترکیب فعلی کابینه دست زده با آوردن چهره های جدید، تشویش دولت پاکستان را از این که افغانستان به مثابه عقبگاه ستراتیژیک مخالفان ارتش آن کشور وارد عمل خواهد شد برطرف خواهد نمود. اما این که اتخاذ چنین تصمیمی و نصب و عزل چهره های جدید در نظام ملاسالار از جانب رهبران کنونی طالب به خصوص "گرگهای جوان" تا چه حد پذیرفته خواهد، مسأله ایست که در آینده روشن خواهد شد.

تا جایی که اکنون دیده می شود، دولت پاکستان می خواهد بعد از کسب اطمینان در مورد افغانستان، حملاتش را به مخالفان داخلی پاکستان تشدید نماید. تجربه نشان داده است چیزی که در چنین موقعیتی برایش هیچ نوع ارزشی ندارد این است که سیاست هایش در افغانستان با چه عکس العمل هائی مواجه خواهد شد. یعنی آیا بی سروصدا پذیرفته خواهد شد و یا تقابل ایجاد کرده بحران کنونی پاکستان را به افغانستان صادر خواهد نمود، برای پاکستان و رهبران نظامی آن به خصوص لوی درسنیز آن کشور "عاصم منیر" هیچ اهمیتی ندارد.

ما می باید اندکی صبر نمائیم تا مولوی "محمد عبدالکبیر" کابینه و سرپرست وزاریش را اعلام دارد، بعداً دیده خواهد شد که فرمان "ملا غیبیت الله" چه اندازه اعتبار و چه پی آمد هائی را بار خواهد آورد.

**با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!**

**مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل**

**و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد**

**تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**